

راهبردهای اخلاق سیاسی در اسلام

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۸

تاریخ تأیید: ۹۵/۸/۱

حامد مشکوری *

علیرضا صدرا **



راهبردهای اخلاق سیاسی در اسلام

رعایت اخلاق در عرصه سیاست، از مسائل و موضوعاتی است که روزبه‌روز اهمیت آن برای همگان آشکارتر می‌شود. در یک نظام اسلامی که اسلام و قوانین الهام‌بخش آن پایه اصلی و جزء لاینفک آن است، بیش از هر چیز توجه به اصول و آموزه‌های اخلاقی ضرورت دارد. در این مطالعه به راهبردهایی می‌پردازیم که با الهام از وحی و کلام پیشوایان معصوم و نیز بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی و مقام معظم رهبری می‌توان از آن در توسعه اخلاق سیاسی در نظام و جامعه اسلامی استفاده کرد. نتایج این تحقیق می‌تواند اولاً، به‌عنوان طرح عملی و کاربردی در اختیار سیاست‌مداران و کارگزارانی قرار گیرد که درصدد اجرای دستورات اخلاقی اسلام در مناسبات سیاسی خویش هستند و ثانیاً، برای سازمان‌ها و نهادهای متولی اشاعه فرهنگ سیاسی اسلامی راهگشا باشد.

کلیدواژگان: اخلاق، سیاست، اسلام، امام علی علیه السلام، راهبرد اخلاق سیاسی.

* دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

از جمله مهم‌ترین اهداف و نتایج مکتب اسلام، تعالی اخلاق و معنویت در جامعه است و حدیث نبوی «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۳۵۴) گواه بر اهمیت و ضرورت اخلاق در اسلام و نظام اسلامی است. بی‌گمان سعادت مادی، معنوی، دنیوی و اخروی جوامع بشری تنها در سایه اخلاق تأمین و تضمین می‌شود. تأثیر و اهمیت اخلاق به بخش خاصی از جنبه‌های زندگی محدود نمی‌شود و همه بخش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد و در تمامی گستره‌های فردی، اجتماعی، ملی و جهانی جاری است.

اخلاق و به‌ویژه اخلاق سیاسی، سیرت و حقیقت سیاست است؛ چنانکه کارآمدی سیاسی صورت و برابند آن به شمار می‌آید. به فرموده، حضرت علی علیه السلام: «از جمله وظایف حاکم آن است که پیش از آنکه به ساختن دیگران پردازد، خودسازی کند» (تمیمی واحدی، ۱۳۶۹، ص ۳۵۳). بنابراین، شایسته است روش‌ها و راهبردهای گسترش اخلاق و اخلاق سیاسی را در ابعاد مختلف بررسی کنیم.

۲. راهبرد

واژه راهبرد (Strategy) در اوایل قرن نوزدهم میلادی از کلمه یونانی Strategos گرفته شده است (Merriam webster, s collegiate dictionary, 1998, p 1162). این واژه ابتدا تنها در حوزه نظامی کاربرد داشت، ولی با تحولات و پیچیدگی‌هایی که در زمینه جنگ و مسائل نظامی پیش آمد و مسائل جنگ را با مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درآمیخت، واژه راهبرد از مفهوم نظامی اولیه خود فاصله فراوانی گرفت و افزون بر حوزه نظامی، در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی و فناوری نیز استفاده شد (Britanica, 1995, volume 29, p 647).

در تعریفی ساده می‌توان راهبرد را به روش یا طرحی هوشمندانه برای رسیدن به هدفی خاص تعریف کرد که معمولاً برای یک دوره زمانی طولانی در نظر گرفته شده است، نیز در تعریفی کامل‌تر، راهبرد را هنر و علم به‌کارگیری نیروهای سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی و نظامی یک ملت یا گروهی از ملت دانسته‌اند که موجب بیشترین حمایت از سیاست‌های اتخاذشده در دوره جنگ یا صلح شود (Merriam webster, s collegiate dictionary, 1998, p 1162). در اینجا نیز منظور از راهبردهای اخلاق سیاسی، روش‌ها و طرح‌هایی است که می‌تواند در کارگزاران سیاسی و دیگر مخاطبان در گرایش و حمایت از سیاست‌های فرهنگی در زمینه اخلاق



سیاسی بیشتر اثرگذار باشد.

پیش از پرداختن به موضوع تحقیق، لازم است ابتدا هر یک از مفاهیم به کاررفته در موضوع تحقیق را به اجمال توضیح دهیم.

۳. اخلاق

در لغت اخلاق جمع خُلُق به معنای خوی‌هاست (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۴). در واقع اخلاق سرشت، ملکات و صفات روحی و باطنی انسان است و شامل صفات نیکو و پسندیده، مانند راست‌گویی و پاک‌دامنی یا صفات زشت و ناپسند، همچون دروغ‌گویی و تهمت می‌شود. ابن‌منظور در *لسان‌العرب* می‌گوید:

خُلُق با ضم و سکون لام به معنای آیین و طبع و رفتار است و در واقع این لفظ برای صورت باطنی انسان به کاربرده می‌شود که همان روح و اوصاف آن و مفاهیم مخصوص به آن است؛ همان‌گونه که خُلُق برای صورت ظاهری انسان و صفات و مفاهیم مربوط به آن به کار برده می‌شود (ابن‌منظور، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۱۹۴).

در اصطلاح خُلُق ملکه‌ای در نفس انسان است که به کمک آن به آسانی و بدون تأمل کارهایی را انجام می‌دهد؛ مانند کسی که چیزی را بنویسد، ولی در نوشتن حرف به حرف آن تأمل نکند. البته لازمه خُلُق آن نیست که حتماً کاری را که متناسب با آن است انجام دهد، بلکه بدین معناست که اگر اراده انجام آن را بکند، بدون دشواری و تأمل انجامش می‌دهد؛ همان‌گونه که صفت و ملکه علم در عالم، بدین معنا نیست که معلومات را در ذهن خود حاضر کرده باشد، بلکه بدان معناست که توان آن را دارد که اگر بخواهد، بدون تأمل معلومات خود را احضار کند (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۰۴-۲۰۵). خواجه نصیرالدین طوسی می‌نویسد:

خُلُق، ملکه‌ای بود نفس را، مقتضی سهولت فعلی ازو، بی‌احتیاج به فکری و رویتی و در حکمت نظری روشن شده است که از کیفیات نفسانی، آنچه سریع‌الزوال بود، آن را «حال» خوانند و آنچه بطی‌الزوال بود، آن را «ملکه» گویند (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۱).

همچنین امام خمینی می‌نویسد:

خُلُق را حالتی در نفس می‌داند که انسان را بدون تفکر و تأمل به انجام عملی دعوت می‌کند. مثلاً کسی که سخاوت دارد، آن خُلُق او را به بخشش و انفاق دعوت می‌کند، بدون آنکه مقدمه‌چینی و فکر و تأملی در این خصوص انجام دهد، بخشش برای او مانند یکی از افعال طبیعی اوست؛ مثل دیدن و شنیدن (امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۵۱۰).





با توجه به این تعریف‌ها، روشن است که اندیشمندان اسلامی بیشتر به صفات و ملکات اخلاقی نظر داشته‌اند و به نفس عمل و فعلی که انجام می‌شود، به‌طور صریح و مستقیم توجه نکرده‌اند. البته بعید نیست مراد از اخلاق در بعضی کاربردها، همان رفتار یا رفتار مکرر باشد (مدرسی، ۱۳۷۱، ص ۱۸)؛ چنانکه در بعض روایات‌ها نیز به همین معنا آمده است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام در تعریف حسن خلق می‌فرماید: «با مردم به نرمی برخورد کن و پاکیزه سخن بگو و با برادرت گشاده‌رو باش»^۱ (قمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۷۷). روشن است که آنچه در این روایت شریف به‌عنوان مصداق حسن خلق ذکر شده، فعل و رفتار صحیح است.

مسائل مربوط به اخلاق حرفه‌ای در فضایی مطرح شده است که بیشتر به نفس عمل توجه می‌شود تا صفات و ملکاتی که منشأ صدور آن عمل است؛ به‌ویژه در اخلاق سیاسی آن‌گاه که درباره مسائلی همچون رفتار اخلاقی نهادها و سازمان‌های سیاسی بحث می‌کنیم، تصور داشتن ملکات اخلاقی برای آنها مشکل به نظر می‌رسد. بنابراین، شایسته است در اینجا روایت یادشده را سرلوحه پژوهش خویش قرار دهیم و تعریف امام صادق علیه السلام را دست‌کم در موضوع این تحقیق (اخلاق سیاسی) بپذیریم.

شاید بتوان گفت منظور عالمان مسلمان نیز از این تعریف، چندان دور نیست و وقتی از آنان پرسیده شود: آیا عمل شخص یا نهادی که کار پسندیده‌ای انجام داده است، ولی دارای ملکه و صفت اخلاق نیکو نیست، عملی اخلاقی شمرده می‌شود یا خیر؟ بی‌گمان پاسخ آنان نمی‌تواند منفی باشد؛ اگرچه ایشان نهایت اخلاق را در آن می‌دانند که ملکات و صفات اخلاقی در شخص یا - شاید بتوان گفت به‌واسطه - در نهادها شکل گرفته باشد.

۴. سیاست

آندور هیوود سیاست را به مفهوم فعالیتی دانسته که مردم از طریق آن، قواعد کلی زندگی خود را تعیین، حفظ و اصلاح می‌کنند، ولی بیشتر اندیشمندان غربی مسائلی چون قدرت و قدرت‌طلبی را در تعریف سیاست در نظر می‌گیرند. مهم‌ترین تعریف از سیاست در میان اندیشمندان سیاسی غرب، مبارزه برای کسب قدرت و نفوذ و اعمال آن در جامعه است

۱. قيل للصادق علیه السلام: ما حدّ حسن الخلق؟ قال: «تلین جانبک و تطیب کلامک و تلقی أخاک ببشر حسن».

(هیوود، ۱۳۸۹، ص ۹).

اندیشمندان مسلمان، بیشتر به غایت مصلحت و عدالت‌خواهی توجه کرده‌اند یا اجرای احکام اسلام را در تعریف سیاست دخیل می‌دانند. برای نمونه، خواجه نصیرالدین طوسی سیاست را نوعی تدبیر می‌داند که موجب برقراری نظم و عدالت و مانع ظلم و تعدی شود (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۲۵۲).

آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی از استادان امام خمینی نیز سیاست را چنین تعریف می‌کند: تدبیری که در جهت مصلحت عموم مردم باشد و ممانعت از به زیان آنان است. همچنین ایشان آنچه را بر اساس منافع شخصی و به زیان مصالح عمومی انجام شود، تزویر، تدلیس و شیطنتی می‌داند که دشمنان اسلام و مسلمان‌ها با تحریف اسم سیاست، آن را سیاست نامیده‌اند (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

امام خمینی نیز سیاست را به معنای هدایت جامعه در جهت صلاح مردمان اجتماع می‌داند که این امر با در نظر گرفتن تمامی ابعاد انسان و جامعه صورت می‌پذیرد و تنها انبیا و اولیای الهی و به تبع آنها علمای بیدار از عهده آن برمی‌آیند (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶).

تعریف آیت‌الله شاه‌آبادی و امام بسیار به هم نزدیک‌اند. مطلبی که حضرت امام به‌اجمال ضمن مفهوم سیاست بیان کرد، آن است که سیاست به معنایی که گذشت، امری نیست که عقل بشری توان کشف و فهم آن را داشته باشد و تنها با علم و احاطه‌ای که خالق انسان و جهان هستی داراست، می‌توان به چنین معرفتی دست یافت و ویژگی‌های آن را به‌دست آورد؛ زیرا تنها اوست که به انسان‌ها و قوانین حاکم بر هستی و جوامع احاطه کامل دارد و می‌تواند هدایتگر بشر در شناخت مصالح و مفسدات واقعی خود باشد. بنابراین، تنها انبیا که با وحی الهی ارتباط دارند و عالمان دین که رهروان آنان هستند، توانایی انجام چنین کار خطیری را دارند (همان). از این بیان امام می‌توان نتیجه گرفت که ایشان، سیاست را به معنای سیاستی می‌داند که از راه وحی و انبیای الهی ابلاغ شده باشد. البته به نظر می‌رسد منظور ایشان، سیاست مطلوب و مورد قبول است، نه سیاست به معنای اعم.

۵. راهبردهای اخلاق سیاسی

با توجه به تعریف ارائه شده از اخلاق و سیاست و نیز با استفاده از آیات و روایات و نیز سخنان امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به چهار راهبرد الهی، معادی، عبادی و





عبرتی دست یافت که در ادامه به توضیح هر یک می‌پردازیم.

الف) راهبرد الهی

از جمله مسائلی که موجب می‌شود انسان خود را به رعایت اصول اخلاقی و از جمله اخلاق سیاسی - که همواره بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد - ملتزم بداند، فراموش نکردن یاد خدا و این نکته است که خداوند همواره حاضر و ناظر است و هر عملی که از او سر می‌زند، در محضر خداوند متعال دانا، آگاه و بصیر است. از نظر امام خمینی نیز ایمان به خداوند متعال منشأ تمامی خیرها و ترقی‌های مادی و معنوی کشور است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۳۷). ایشان در سخنان خود بارها به این مطلب اشاره کرده است که اگر انسان‌ها بدان توجه و آن را باور کنند، هرگز کار خلاف و اشتباهی از آنها سر نمی‌زند (همان، ج ۸، ص ۱۱۰-۱۱۱). امام به‌ویژه به کسانی که در امور سیاسی - اجتماعی منشأ اثر بودند و مسئولیتی داشتند، تأکید می‌کرد که عالم محضر خداست؛ در محضر خدا معصیت خدا نکنند و بر سر مسائل جزئی درگیر نشوند (همان، ج ۱۳، ص ۴۶۱).

آیات مختلفی از قرآن کریم بر درستی برداشت امام از علم و حضور کامل خداوند در هر شرایطی دلالت دارد و بدیهی است توجه به این نکته، موجب رهایی انسان از بسیاری از مفسده‌ها و ردیلت‌ها و تبعات سخت و سنگین آنها خواهد شد. از جمله آیاتی مانند «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ خداوند به افکار و نیت نهفته دل‌ها آگاه است» (مائده: ۷) و «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ؛ خداوند هر جا باشید، با شماست» (حدید: ۴) و «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ ما از رگ قلب به انسان نزدیک‌تریم» (ق: ۱۶) و «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ؛ خدا بین انسان و قلبش قرار دارد» (انفال: ۲۴).

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر مسئله تقویت ایمان و نیروی درونی برای چیره شدن بر مشکلات گوناگون اجتماعی، اقتصادی و غیره که در نظام اسلامی با آن روبه‌رو هستیم نیز نشان‌دهنده اهمیت این راهبرد در مقابله با مسائل و مشکلات است. به باور ایشان، حل مشکلات نیازمند مبارزه و مجاهدت است و زمانی انسان می‌تواند در مبارزه درست بفهمد و تشخیص دهد و به دنبال آن تشخیص حرکت کند که عامل درونی ایمان در او فعال و قوی باشد. (خامنه‌ای، ۱۲ تیر ۱۳۹۵) به باور ایشان نخستین عامل توانمندی نظام که بیش از همه آماج دشمنی‌های دشمنان نظام اسلامی است، ایمان ملت ایران است (همو، ۲۵ خرداد ۱۳۹۵).

امام علی علیه السلام به دلیل یاد خدا و توجه همیشگی به حق و روز رستاخیز، هرگز به دلایل

مصالح شخصی و حفظ موقعیت و مقام خود حاضر به گذشت از کوچک‌ترین حقوق مردم نشد و آنجا که در مقام زمامداری از او خواسته می‌شد در حمایت از قدرت وی، بخشی از بیت‌المال را به‌ناحق به اشخاصی بدهد، می‌فرمود: «بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست با تبذیر و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد و در آخرت فرود آرد و او را در دیده مردمان گرامی کند و نزد خدا خوار گرداند» (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹ الف، ص ۲۴۱).

سیاستمداران و کارگزاران نظام اسلامی با تقویت ایمان قلبی خود و شاهد و ناظر دیدن خدای متعال در همه‌حال و همه‌جا، قوی‌ترین پشتوانه را در دست دارند تا کارهای مملکتی را با توکل و تکیه بر او به‌پیش برند و از موانع راه و تهدیدهای دشمنان داخلی و خارجی بیمی به خود راه ندهند. از سوی دیگر، با توجه به این مسئله، بالاترین کنترل در رفتار آنان از درون به وجود می‌آید و از این‌رو، همواره در جهت منافع و مصالح جامعه اسلامی حرکت می‌کنند و هرگز منافع شخصی یا گروهی را بر آن مقدم نمی‌شمردند.

در صدر تمامی نامه‌های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، پیش از هر چیز یاد خدا یادآوری شده است. آن حضرت خود همواره در انجام امور و به‌ویژه وظایف سیاسی خویش خدا را در نظر داشت و کارگزاران نظام را به این مهم امر می‌کرد. از جمله در صدر دستورالعمل نظامی به معقل بن قیس ریاحی - که از بزرگان و شجاعان بنام کوفه بود و با سه هزار سرباز به‌عنوان پیشاهنگان سپاه امام در جنگ با معاویه به‌سوی شام حرکت کرد - نگاشت: «از خدایی بترس که ناچار او را ملاقات خواهی کرد و سرانجامی جز حاضر شدن در پیشگاه او را نداری» (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹ الف، ص ۵۷).

یاد خدا آرامش‌دهنده دل (رعد: ۲۸) و زایل‌کننده تشکیک و تردید هر کارگزار سیاسی و به‌طور کلی همه انسان‌ها در حین انجام وظایف خویش است و موجب می‌شود همواره انسان رضایت الهی و رعایت عدالت را که از مهم‌ترین دستورات اخلاقی اسلام است، مد نظر قرار دهد. امام علی علیه السلام در اوج درگیری‌هایی که با دشمنان داشت و ناچار بود گاه و بیگاه سپاهی را برای مقابله با آنان بفرستد، چنانکه در نامه‌های پیشین نیز آمده است، در توصیه به فرماندهان و کارگزاران خود، پیش از هر امری توجه به خدا و یاد او را گوشزد می‌کند. نمونه دیگر، نامه به فرمانده سپاه، شریح بن هانی است که سپاه او را در سال ۳۶ هجری به‌سوی شام حرکت داد. در این نامه آمده است:

در هر صبح و شام از خدا بترس و از فریبکاری دنیا بر نفس خویش بیمناک باش و هیچ‌گاه





از دنیا ایمن مباش. بدان که اگر برای چیزهایی که دوست می‌داری یا آنچه خوشایند تو نیست، خود را بازنداری، هوس‌ها تو را به زبان‌های فراوانی خواهند کشید. پس نفس خود را بازدار و از آن نگهبانی کن و هنگام خشم، بر نفس خویش شکننده و حاکم باش (شریف الرضی، ۱۳۷۹ الف، ص ۵۹۵).

ب) راهبرد معادی

از جمله مسائلی که موجب می‌شود انسان اخلاق سیاسی را جدی بگیرد و به‌ویژه به دلایل منافع مادی و شخصی آن را زیر پا نگذارد، آن است که همواره متوجه باشد هر عمل انسان، ثبت و ضبط می‌شود و به‌زودی باید در پیشگاه الهی پاسخ‌گوی آن باشد. از مسائلی که امام علی علیه السلام نیز بر آن تأکید داشت و کارگزاران و فرمانداران خویش را بدان توصیه می‌کرد، کوچک شمردن دنیا و به‌یادداشتن معاد و حیات پس از مرگ و آخرت بود. ایشان در یکی از پیام‌های خود به کارگزاران حکومتی که مأمور گردآوری مالیات بودند، نگاشت:

از بنده خدا علی امیر مؤمنان به کارگزاران جمع‌آوری مالیات. پس از یاد خدا و درود. همانا کسی که از روز قیامت نترسد، زاد و توشه‌ای از پیش نخواهد فرستاد. بدانید مسئولیتی را که به عهده گرفته‌اید، اندک، اما پاداش آن فراوان است، اگر برای آنچه خدا نپسند کرد - مانند ستمکاری و دشمنی - کیفری نبود، برای رسیدن به پاداش در ترک آن نیز عذری وجود نداشت (همان، ص ۵۶۳).

توجه به خداوند و روز قیامت و نیز پاداش‌ها و کیفرهای الهی، در صدر توصیه‌های امام علی علیه السلام قرار دارد؛ به‌ویژه در نامه آن حضرت به ابن عباس که در سال ۳۶ هجری فرماندار بصره بود، در این خصوص نکات ارزشمندی درباره توجه به معاد و آخرت آمده است. نوشته حضرت به‌گونه‌ای است که ابن عباس با خواندن آن گفت: «پس از سخنان پیامبر، هیچ سخنی را همانند این نامه سودمند نیافتیم». در آن نامه آمده است:

همانا انسان گاهی خشنود می‌شود به چیزی که هرگز از دستش نمی‌رود و ناراحت می‌شود برای از دست دادن چیزی که هرگز به آن نخواهد رسید. ابن عباس! خوشحالی تو از چیزی باشد که در آخرت برای تو مفید است و اندوه تو برای از دست دادن چیزی از آخرت باشد. آنچه از دنیا به دست می‌آوری، تو را خوشنود نسازد و برای آنچه در دنیا از دست می‌دهی، زاری کنان تأسّف مخور و همّت خویش را به دنیای پس از مرگ واگذار (همان، ص ۵۰۱).

امام علی علیه السلام در سیاست، نه‌تنها امیران و کارگزاران خویش، بلکه حتی دشمنان خود

را به در نظر داشتن یاد معاد توصیه و به آنها گوشزد می‌کرد به یاد داشته باشند که دنیا امری گذرا و موقتی است و آنچه انسان برای آن آفریده شده است، انجام امتحان در این سرای موقت است. آن حضرت پیش از جنگ صفین در نامه‌ای به معاویه نگاشت:

پس از یاد خدا و درود! همانا خداوند سبحان، دنیا را برای آخرت قرار داد و مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت تا روشن شود کدام یک نیکوکارتر است. ما را برای دنیا نیافریده‌اند و تنها برای دنیا به تلاش فرمان داده نشدیم. به دنیا آمدیم تا در آن آزمایش گردیم و همانا خداوند مرا به تو و تو را با من آزمود و یکی از ما را بر دیگری حجت قرار داد (شریف الرضی، ۱۳۷۹ ب، ص ۵۹۳).

در بخشی از نامه دیگر ایشان به معاویه می‌خوانیم:

همانا دنیا انسان را به خود سرگرم می‌کند و از دیگر چیزها بازمی‌دارد. دنیاپرستان چیزی از دنیا به دست نمی‌آوردند، جز آنکه دری از حرص به رویشان گشوده و آتش عشق آنان تندتر می‌گردد. کسی که به دنیای حرام برسد، از آنچه به دست آورده، راضی و بی‌نیاز نمی‌شود و در فکر آن است که به دست نیاورده، اما سرانجام آن، جدا شدن از فراهم آورده‌ها و به هم ریختن بافته شده‌هاست (همان، ص ۵۶۲).

امام علی علیه السلام هرگز صحنه سیاست و اشتغالات کاری را از فلسفه اصلی زندگی و مسیری که هر انسانی به سوی آن می‌رود و اصولاً برای آن آفریده شده است، جدا نمی‌دانست و همواره دوست و دشمن را به این واقعیت یادآور می‌شد تا آنان را از گمراهی و هلاکت نجات دهد. یاد معاد و این که زندگی دنیا گذراست و نباید بدان دل بست، از جمله نکاتی است که سیاستمدار متخلق به اخلاق سیاسی اسلام همواره باید آن را نصب‌العین خود قرار دهد و همچنین زیردستان خود را به آن گوشزد کند.

امام علی علیه السلام نه تنها زمانی که از دخالت در امور سیاسی منع شده بود، بلکه هنگام زمامداری و در شرایط مختلف چنین کرد و خانواده و یاران خود را با سخنان پندآموز در مسیر هدایت نگاه داشت. آن حضرت در میسر بازگشت از جنگ صفین در سال ۳۸ هجری آن گاه که به سرزمین «حاضرین»^۱ رسید، در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام نگاشت:

پسرم! بدان تو برای آخرت آفریده شدی، نه دنیا؛ برای رفتن از دنیا، نه پایدار ماندن در آن؛

۱. روستاهای بین شام و عراق یا روستاهای اطراف شهر «بالس» از توابع شام است (شریف الرضی، ۱۳۷۹ ب، ص ۵۲۱).



برای مرگ، نه زندگی جاودانه در دنیا، که هر لحظه ممکن است از دنیا کوچ کنی و به آخرت در آیی. تو شکار مرگی هستی که فرارکننده آن نجاتی ندارد. هر که را بجوید به آن می‌رسد و سرانجام او را می‌گیرد. پس، از مرگ بترس! نکند زمانی سراغ تو را گیرد که در حال گناه یا در انتظار توبه کردن باشی و مرگ مهلت ندهد و بین تو و توبه فاصله اندازد، که در این حال خود را تباه کرده‌ای.

پسرم! فراوان به یاد مرگ باش و به یاد آنچه به‌سوی آن می‌روی و پس از مرگ در آن قرار می‌گیری. تا هنگام ملاقات با مرگ از هر نظر آماده باشی، نیروی خود را افزون و کمر همت را بسته نگهدار که ناگهان نیاید و تو را مغلوب سازد. مبدا دلبستگی فراوان دنیاپرستان و تهاجم حریصانه آنان به دنیا، تو را مغرور کند؛ چراکه خداوند تو را از حالات دنیا آگاه کرده و دنیا نیز از وضع خود تو را خبر داده و از زشتی‌های روزگار پرده برداشته است^۱ (همان، ص ۵۳۱).

بنابراین، از جمله نکته‌های راهبردی که می‌تواند التزام به رعایت اخلاق را تضمین و تقویت کند، یاد معاد و مسیری است که انسان‌ها به‌سوی آن در حرکت‌اند. کارگزاران سیاسی به یاری توجه همیشگی به معاد و مسیری که خواه‌ناخواه هر شخص آن را خواهد پیمود، اهمیت و ضرورت پایبندی به رعایت اصول و ضوابط اخلاقی را به‌خوبی احساس می‌کنند و بدین وسیله با اطمینان و اعتماد بیشتر به صحت کار خویش، خود را به ابزار نجات در دنیا و آخرت مسلح می‌سازند.

ج) راهبرد عبادی

یکی دیگر از راهکارهای التزام به اصول اخلاق سیاسی، انجام عبادات و مناسک دینی است که افزون بر آنکه موجب می‌شود انسان از یاد خداوند و معاد غافل نشود، موجب

۱. «وَ اعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ وَ أَنَّكَ فِي [مَنْزِلِ] قُلْعَةٍ وَ دَارِ بُلْغَةٍ وَ طَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّكَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ وَ لَا يَفُوتُهُ طَالِبُهُ وَ لَا بُدَّ أَنَّهُ مُدْرِكُهُ فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ أَنْ يُدْرِكَكَ وَ أَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ قَدْ كُنْتَ تَحَدَّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ فَيَحُولَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ذَلِكَ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ. يَا بُنَيَّ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا نَهَجُمُ عَلَيْهِ وَ تَفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيكَ وَ قَدْ أَخَذَتْ مِنْهُ حِذْرَكَ وَ شَدَّدَتْ لَهُ أَرْزَكَ وَ لَا يَأْتِيكَ بَعْتَةٌ فَيَهْرَكَ».

آرامش قلب و اعتماد به نفسی می‌شود که انسان با ارتباط با خداوند و تکیه به او به دست می‌آورد. این اعتماد به نفس، شخص را در انجام وظایف سیاسی و اجتماعی خویش محکم و در برابر مشکلات آن مقاوم می‌سازد.

جوهان ال. اسپوزیتو، نویسنده کتاب *دایرةالمعارف جهان نوین اسلام* در خصوص نظریه اخلاق سیاسی امام می‌نویسد: امام اعتقاد دارد انسان به واسطه اعمال معنوی منظمی که انجام می‌دهد - که از جمله آنها نماز است - بخشندگی و مهربانی خدا را باور می‌کند و او را صاحب روز قیامت می‌داند و به همین دلیل، انجام خطاهای بزرگ یا به تعبیر امام «گناهان کبیره» برای چنین شخصی بسیار دشوار می‌شود. نیز ایمان به خدا موجب می‌شود انسان بی‌باکانه در راه عدالت مجاهدت نماید و از روی رغبت و رضا زندگی‌اش را فدای راه خدا کند (اسپوزیتو، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳).

در واقع مناسک دینی و عبادات، به‌ویژه آن‌گاه که به‌طور منظم و همان‌گونه که در دستورات دینی آمده است انجام شود، سبب تقویت ایمان، ثبات یاد الهی و توجه به او و نیز توجه به معاد و روز جزا می‌شود؛ چراکه در عبادات دینی فراوان بدین نکته‌ها تصریح و به‌صورت‌های گوناگون به این موضوع‌ها اشاره شده است. بدیهی است این اعمال هرچه با دقت، توجه و رعایت آداب خاصی که برای آن برشمرده‌اند انجام شود، اثرگذاری آن نیز به تناسب سودمندتر خواهد بود.

امام خمینی دو کتاب *ارزشمند سر الصلاة* یا *معراج السالکین و صلاة العارفين* یا *آداب الصلاة* را در خصوص نماز و آداب آن از خود به‌جا گذاشته است. استفاده از این دو کتاب و آثاری مانند آن برای همگان، به‌ویژه کسانی که دستی در سیاست دارند و می‌خواهند صفات اخلاق سیاسی اسلامی را در خویش تقویت کنند، بسیار رهگشاست.

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان به خواندن هر روزه قرآن کریم و برقراری ارتباط با خدای متعال به‌وسیله دعاها برای مقابله با دشمن و توطئه‌های دشمنان، نشان‌دهنده اهمیت عبادات و انجام مناسک دینی نزد ایشان است (خامنه‌ای، ۱۲ تیر ۱۳۹۵).

در قرآن کریم صبر و نماز را دو عامل کمک‌کننده انسان‌ها معرفی و به مؤمنان توصیه می‌کند به آن دو متمسک شوند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳).

از جمله نکاتی که امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر در انجام مسئولیت حکمرانی مصر توصیه می‌کند، آن است که بهترین اوقات را به خویش و خدای خویش اختصاص





دهد: نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن؛ اگرچه همه وقت برای خداست. (شریف الرضی، ۱۳۷۹ب، ص ۵۵۹).

از توصیه‌های آن حضرت پس از ضربت خوردن از ابن‌ملجم به یاران و خویشان خود، توجه به قرآن کریم، نماز، امر به معروف و نهی از منکر و انجام مناسک حج است. ذکر این نکته‌ها در واپسین لحظات حیات آن مرد شریف و حکیم، نشان‌دهنده اهمیت رعایت آنها از دیدگاه اوست؛ به‌ویژه بندهای پایانی این دستورات که بیانگر آن است که ترک برخی از دستورات دینی مانند امر به معروف و نهی از منکر که هم بر زمامداران و هم بر مردم واجب است، موجب می‌شود زمام امور مسلمانان به دست افراد نالایق افتد و چون این افراد موجب تسلط چنین افرادی در جامعه شده‌اند، دعاهايشان در پیشگاه الهی مستجاب نخواهد شد. در این وصیت‌نامه آمده است:

خدا را! خدا را! دربارہ قرآن؛ میادا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند. خدا را! خدا را! دربارہ نماز؛ چراکه ستون دین شماسست. خدا را! خدا را! دربارہ خانه خدا، تا هستیید آن را خالی مگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی‌شوید. خدا را! خدا را! دربارہ جهاد با اموال و جان‌ها و زبان‌های خویش در راه خدا. بر شما باد به پیوستن با یکدیگر و بخشش همدیگر. میادا از هم روی گردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می‌گردند، آن‌گاه هرچه خدا را بخوانید، جوایتان نهد (همان، ص ۵۵۹).

همچنین در نامه‌های علی علیه السلام به فرمانداران و کارگزاران نظام اسلامی، بر انجام وظایف و عبادات شرعی، به‌ویژه نماز و اوقات خاصی که آن را باید به‌جای آورد، تأکید شده است. این مسئله در نامه‌های مختلف خطاب به مسئولان سیاسی به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر به‌سزای اعمال عبادی در انجام صحیح و صادقانه وظایف کارگزاران است. از جمله این نوشته‌ها، نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر است. در این نامه پس از آنکه حضرت به او گوشزد می‌کند تو را به فرماندهی لشکر مصر - بزرگ‌ترین لشکر - گماشته‌ام، از او می‌خواهد هرگز رضایت مردم را بر رضایت حق و خداوند ترجیح ندهد و می‌نویسد:

در همه کارت خدا را اطاعت و از او پیروی کن (به دستور او رفتار نما)؛ زیرا اطاعت خدا بر هر چیز افزونی دارد (چون سعادت و نیک‌بختی از آن به دست می‌آید) و در عبادت و بندگی نفس خود را بفریب (او را گول زده، به وسیله ترساندن از کیفر و خشنود ساختن به پاداش از

شبهوت‌ها جلوگیری کن و به طاعات وادار) و با او مدارا نما (بسیار در ریاضت و رنجش میفکن) و او را مغلوب نساز (تکلیف سخت به او مکن) و هنگام گذشت و شادی‌اش آن را دریاب (در فراغت و خرمی‌اش او را به طاعت و بندگی وادار) مگر آنچه بر تو واجب است (مانند نمازهای شبانه‌روزی) که از به‌جا آوردن و مراعات نمودن آن در وقتش چاره‌ای نیست (ناچار باید به‌جا آورد؛ چه در خرمی و چه در افسردگی) (همان، ص ۱۰۷۱)

د) راهبرد عبرتی

عبرت‌آموزی نیز از جمله راهبردهایی است که برای هر سیاستمداری می‌تواند در هماهنگ‌سازی خویش با الگوهای اخلاق سیاسی اسلامی کارساز باشد. قرآن کریم صاحبان بصیرت را به عبرت گرفتن از سرگذشت پیشینیان امر می‌کند: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» (حشر: ۲).

امام علی علیه السلام در دورانی که زمام امور مسلمانان را برعهده داشت، هرگاه که فرصت را مناسب می‌یافت، به نزدیکان خویش یادآور می‌شد که از سرانجام گذشتگان عبرت گیرند. از جمله نکته‌های ارزشمند حضرت در مسیر بازگشت از جنگ صفین در نامه به امام حسن علیه السلام توجه به سرنوشت و تاریخ گذشتگان و عبرت‌آموزی از آن است. ایشان در بخشی از این نامه درباره آنکه چگونه با عبرت گرفتن از حوادث روزگار، نفس خویش را تربیت کرده و به کنترل خویش درآورده، خطاب به امام حسن علیه السلام می‌نگارد:

با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او (نفس) آگاهی بخش و از دگرگونی روزگار و زشتی‌های گردش شب و روز او را بترسان. تاریخ گذشتگان را بر او بنما و آنچه را بر سر پیشینیان آمده است، به یادش آور. در دیار و آثار ویران رفتگان گردش کن و ببیندیش که آنها چه کردند؟ از کجا کوچ کردند و در کجا فرود آمدند؟ از جمع دوستان جدا شدند و به دیار غربت سفر کردند. گویا زمانی نمی‌گذرد که تو هم یکی از آنانی. پس جایگاه آینده را آباد کن و آخرت را به دنیا مفروش (همان، ص ۵۲۱).

مسائل و مشکلاتی همچون فقر، بیماری و مرگ اطرافیان را که انسان‌ها در طول زندگی با آن روبه‌رو می‌شوند، می‌توان از الطاف پنهان الهی دانست که موجب یادآوری و عبرت‌آموزی شده، سبب می‌شوند شخص بداند در مقابله با بسیاری از ناملایمات، ناتوان است و تنها منبع و منشأ قدرت که می‌توان بدان تکیه کرد، خداوند توانمندی است که از همه چیز و همه کس بی‌نیاز است. تأثیر و اهمیت این موارد در پایبندی به اصول اخلاقی و مذهبی به قدری است که در حدیثی از امام حسین علیه السلام آمده است در صورتی که این موارد





نمی‌بود، کسی خود را به امری متعهد نمی‌دانست: «اگر سه چیز نمی‌بود انسان در برابر هیچ چیزی سر فرود نمی‌آورد: فقر و بیماری و مرگ»^۱ (حلوانی، ۱۳۶۷، ص ۸۰).
در قرآن کریم نیز آیات گوناگونی نشان‌دهنده آن است که احساس بی‌نیازی و فراوانی نعمت، موجب سرکشی خواهد شد. خداوند فرموده است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ» (علق: ۶-۷). در سوره شوری نیز به فلسفه فقر یا عدم وفور نعمت در میان بندگان اشاره شده است و بیان می‌دارد که بی‌نیازی انسان، موجب غفلت و عامل سرکشی او خواهد شد: «لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنزِلُ الْقُرْآنَ لِيَذَكِّرَ مَا يَنْشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» اگر خدا روزی را بر بندگان فراخ گرداند، مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌دارند، لیکن آنچه را بخواهد به اندازه‌ای [که مصلحت است] فرومی‌فرستد. به‌راستی که او به [حال] بندگان آگاه و بیناست» (شورا: ۲۷).

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایتی نقل کرده است که اهمیت و تأثیر عبرت‌آموز مرگ را نشان می‌دهد و آن را در زمینه پند و اندرز کافی می‌داند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا» (امام جعفر صادق، ۱۳۵۹، ص ۱۱۳). این روایت نشان می‌دهد اگر شخص و به‌ویژه کسانی که مسئولیت‌های حساسی در جامعه در مقام کارگزاران سیاسی به عهده دارند، به سرنوشت و عاقبت کار دیگران توجه کنند، بیشترین تأثیر را در هدایت آنها و جلوگیری از لغزش‌های احتمالی و پایبندی به اصول اخلاقی - اسلامی خواهد گذاشت.

سیاستمدار و کارگزار سیاسی باید همواره تاریخ و سرنوشت نظام‌ها و رهبران سیاسی را با دقت در نظر داشته باشد و علل فراز و فرود آنان را بررسی کند و بداند هیچ پست و مقامی پایدار و جاودان نیست و باید از فرصت محدودی که به لطف الهی در دست او قرار گرفته است، به نحو احسن برای خدمت به مردم استفاده کند. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ چنان در آثار و تاریخ سرنوشت گذشتگان غور و آن را مطالعه کرده بود که گویا در میان آنان می‌زیسته است. ایشان در نامه دیگری به فرزندش امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌نویسد:

پسرم! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و

۱. لَوْلَا تَلَاثَةٌ مَا وَضَعَ ابْنُ آدَمَ رَأْسَهُ لِشَيْءٍ: الْفَقْرُ وَالْمَرَضُ وَالْمَوْتُ.

در اخبارشان اندیشیدیم و در آثارشان سیر کردم، تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام (شریف الرضی، ۱۳۷۹ ب، ص ۵۲۳).

امام خمینی نیز در سخنان خویش دنیای اسلام و به‌ویژه حاکمان کشورهای اسلامی را به درس گرفتن از ملت ایران توصیه می‌کرد بدون اتکا به قدرت‌های شرق و غرب توانستند قدرت‌های خارجی را بیرون کنند و به استقلال برسند و از آنها می‌خواستند خود را از یوغ قدرت‌های استعمارگر خارج کنند تا عاقبتی مثل سادات در مصر و اشخاص دیگری که به‌وسیله آنان تحقیر شدند، نداشته باشند (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۲۸۴-۲۸۵).

۶. نتیجه

با توجه به اهمیت اخلاق و اخلاق سیاسی از منظر اسلام و با تأکید حدیث شریف نبوی «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» بر اهمیت اخلاق که هدف از بعثت را تکمیل کردن اخلاق شایسته و نیکو بیان داشته است، موضوع این مطالعه را راهبردهای اخلاق سیاسی در اسلام قرار دادیم. هدف از این تحقیق آن است که با بهره‌گیری از منابع و مآخذ اسلامی، طرح‌ها و روش‌هایی را ارائه شود که موجب به‌کارگیری امکانات و نیروها در جهت اجرای دستورات اخلاقی در حوزه سیاسی می‌شود. بدین منظور، راهبرد را هنر و علم به‌کارگیری نیروهای سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی و نظامی یک ملت یا گروهی از ملت که موجب بیشترین حمایت از سیاست‌های اتخاذشده در طی دوره جنگ یا صلح شود، تعریف کرده و منظور از راهبردهای اخلاق سیاسی را در این مطالعه، روش‌ها و طرح‌هایی دانسته شده که بیشترین تأثیر را در کارگزاران سیاسی و دیگر مخاطبان در گرایش و حمایت از سیاست‌های فرهنگی در زمینه اخلاق سیاسی می‌تواند داشته باشد. همچنین با الهام از وحی، کلام معصومان و سخنان اخلاقی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، راهبردهای اخلاق سیاسی را در چهار راهبرد الهی، عبرتی، عبادی و معادی بیان و مراد از هر یک را با استفاده از منابع فوق توضیح داده شد.

منابع

- ابن منظور (۱۳۶۷)، *لسان العرب*، جلد چهارم، بیروت: دارالحياء التراث العربی.
- اسپوزیتو، جوهان ال (۱۳۸۸)، *دائرة المعارف جهان نوین اسلام*، جلد نخست، ترجمه زیر نظر محمد دشتی و دیگران، تهران: نشر کنگره / نشر کتاب مرجع.
- امام جعفر صادق (منسوب به) (۱۳۵۹)، *مصباح الشریعة*، بیروت: اعلمی.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۸)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۷۱)، *شرح چهل حدیث*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۸۶)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحة*، تهران: دنیای دانش.
- تمیمی واحدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۹)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دارالکتب الاسلامی.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۳۶۷)، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم: مدرسة الامام المهدي (عج.).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۲ تیر ۱۳۹۵)، *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از دانشجویان، نرم/فزار حدیث ولایت*.
- _____ (۲۵ خرداد ۱۳۹۵)، *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از مسئولان نظام اسلامی، نرم/فزار حدیث ولایت*.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، *فرهنگ متوسط دهخدا*، جلد نخست، تهران: دانشگاه تهران.
- شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۰)، *شذرات المعارف*، تهران: ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹ الف)، *ترجمه و شرح نهج البلاغة*، جلد پنجم، ترجمه علینقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- _____ (۱۳۷۹ اب)، *نهج البلاغة*، ترجمه محمد دشتی، قم: بی‌نا.
- طوسی، نصیر الدین (۱۳۶۴)، *اخلاق ناصری*، تهران: انتشارات خوارزمی.
- قمی، عباس (۱۳۷۲)، *سفینه البحار*، جلد دوم، تهران: اسوه.
- مدرسی، محمدرضا (۱۳۷۱)، *فلسفه اخلاق*، تهران: سروش.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد شیرازی (۱۳۸۳)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة*، جلد چهارم، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.



- هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.
- Merriam webster since 1828 dictionary(available on 2016 27 July)
<http://www.merriam-webster.com/dictionary/strategy>.
- Merriam webster`s collegiate dictionary. Thenth Edition, UN: Merriam Webster INC, 1998.
- The new Encyclopædia Britannica, volume 29, USA: Encyclopædia Britannica, 1995.

